

A TREATISE ON LITERARY CRITICISM: "KARNAMA BY MUNIR

LAHORI"

*Neelofar Hafeez

Abstract:

Abul-Barakat Munir Lahori is a great scholar of the Persian world. He is considered one of the most renowned orators, Accomplished writers, and proficient poets of the 11th century Hijri in the Indian subcontinent. He had great Prestige and Reputation among all his contemporaries in Persian poetry and prose. All his works, both in prose and poetry, are testimony to his scholarly greatness and literary eminence. Munir was also a great and famous critic; indeed, he should be regarded as the founder of literary criticism. He holds a lofty and exalted position in the Persian language and literature. He was the first scholar who produced fundamental treatises on the subject of literary criticism in the field of criticism; his most important, memorable and Exceptional work, titled "Karnama-e-Muneer", has gained great fame and popularity. In this book, he criticised about 60 verses of four Iranian poets' poetry belonging to the fresh-speaking style (Sabk-e Taza Goi or Sabk-e Hindi). Evidence shows that Munir Lahori was a follower of the style of the ancients (Sabk-e Mutaqaddimin), and therefore did not favour the new style. For this reason, he targeted the poetry of the fresh-speaking poets for his criticism. This work is historically very important because it was the first time an Indian scholar challenged Iranian poets on their own linguistic ground and won the debate, which proved that Persian scholars in Lahore and Delhi were equal to those of Isfahan.

After Munir, Persian literary criticism flourished greatly in India and Iran, and the sense of superiority among Iranians subsided. The native speakers of Iran acknowledged the value and importance of Indians. They confessed that the scholars of the Indian subcontinent are in no way inferior, but rather stand on an equal footing with the native speakers. In this treatise, Munir Lahori acts like a pious and just critic, observing fairness and impartiality, and expresses whatever comes to his mind regarding language and expression without omission. For this reason, this treatise holds a sublime place in Persian literary criticism; its value and importance remain to this day, and it has always been a source of benefit for researchers and literary critics.

Keywords: Munir Lahori, Karnama-e-Muneer, Persian Literary Criticism, Sabk-e Hindi, Sabk-e Mutaqaddimin, Persian Literature, Indian Persian Scholarship

رساله ای در نقد ادبی "کارنامه از منیر لاهوری"

* نیلوفر حفیظ

چکیده :

ابوالبرکات منیر لاهوری یکی از گویندگان نامدار نویسندگان توانای وشاعران چیره دست قرن یازدهم در شبه قاره هند وپاک به شمار می رود، اور در شعر گوئی ونچر نویسی میان معاصرینش نظیری نداشت، همه آثار منشور ومنظوم وی نشان دهنده عظمت علمی وشوکت ادبی اوست، منیر لاهوری منتقدی بزرگی هم بوده است بلکه او بنیان گزار فن نقد به شمار می آید همین جهت در ادبیات فارسی هند وایران جای بلند وعالی دارد او اولین بار بر موضوع فن نقد رساله های مهمی واساسی بوجود آورده است، در فن نقد مهم ترین آثارش بنام کارنامه شهرت ومقبولیت زیادی یافته است وی دراین رساله حدود ۶۰ شعر چهار شاعر تازه گوئی ایرانی مورد انتقاد قرار داده است، از شواهد بر می آید منیر لاهوری مقلد طرز متقدمین است لذا روش جدید دوست نمی داشت همین جهت بر کلام شعرای تازه گوئی هدف نقد وانتقاد قرار می دهد، بعد از منیر انتقاد ادبی فارسی در کشور هندوایران رونق وعروج زیادی گرفت و حس برتری ایرانیان هم فرو شد واهل زبان ارزش واهمیت هندیان تسلیم کردند واعتراف کردند که دانشوران شبه قاره هند وپاک از هیچ سبب کم تر وفرومایه نیستند بلکه با اهل زبان درجه مساوی ومشترک دارند، منیر لاهوری دراین رساله مانند منتقدی دیانت دار عدل وانصاف می کند و آنچه از لحاظ زبان و بیان به نظر می رسد بیرون کم وکاست بیان می کند همین جهت این رساله در نقد ادبی فارسی جای شامخ دارد وتا هنوز ارزش واهمیت آن باقیست و همواره برای محققان ومنتقدان ادبی مورد استفاده بوده است.

و کلید واژه ها: منیر لاهوری، کارنامه ، منتقد، عرفی شیرازی، طالب آملی، ظهوری، زلالی خوانساری،انتقاد ادبی-

* استادیار زبان و ادبیات فارسی گروه عربی و فارسی، اله آباد یونیورسٹی، پریاگ راج
neelofarhafeez82@gmail.com

مقدمه:

ملاابو البرکات لاهوری متخلص به منیر یکی از برجسته و توانا ترین شاعران، نویسندگان و منتقدان ادبی فارسی هندوپاک، در قرن یازدهم هجری، به شمار می آید، در ادبیات فارسی شبه قاره هندوپاک، نظم‌ش مرتبه عالی می رسد، و نثرش هم مقام بزرگ و عالی دارد که از ارزش و افادیت آثار علمی منیر اغماض نمودن درست نیست، از مطالعه کتب وی برمی آید که همه منظوم و منثور آثارش به زبان روان، ساده و سلیس برشته نگارش آورده شده اند چنانکه ما همه وقوف داریم که نام منیر لاهوری برای محققان و منتقدان و مفکران فارسی کشور هندوایران ناآشنا و بیگانه نیست، این سخنور بزرگ در عهد شاه جهان پادشاه شهرت و نام وری زیادی یافته بود و میان معاصرینش قدر و منزلت خاصی داشت و از امیر منشیان سرکار سیف خان صوبه دار الله آباد بود. او در سال ۱۰۱۹ هجری در لاهور متولد شده بود، پدرش عبد المجید در هنر خطاطی و خوش نویسی شهرت زیادی داشت و در روزگار خویش یگانه عصر به شمار می آمد، و بعنوان خوش نویسان دربار اکبر پادشاه قدر و منزلت خاصی داشت، منیر لاهوری از دوران کودکی خیلی زیاد زیرک و زود رس و دقیق بین بوده، و از عنفوان شبایش شعر و ادب فارسی عاشق شده بود و فقط به گفته او در سن چهارده سالگی شعر عالی می گفت و از همان نوجوانی به استقبال مولانا سنائی و انوری و خاقانی شعر می گفت این دانشوری بزرگ و عالی، در عهد شاه جهان به سال ۱۰۴۵ هجری از طرف لاهور سوی اکبر آباد کوچ کرده، و به دربار نواب سیف خان منسلک گشت و چندی رفاقت و الفت و الی بنگاله هم گزیده. بعد از وفات سیف خان به خدمت اعتقاد خان، ناظم جونپور رسیده، ولی بزودی باز هم به آگره برگشت و هنوز فقط سی و شش ساله بود که در عین ایام شباب، به سال ۱۰۵۴ هجری همانجا یعنی در شهر آگره وفات یافت. می گویند جسد خاکی او را از آگره به لاهور منتقل کردند و همانجا تجهیز و تکفین کردند، تا هنوز آرامگاهش در لاهور موجود است، منیر لاهوری در نظم و نثر فارسی قدرت تامه و مهارت شایانی داشت، از شواهد گوناگون بر می آید که منیر لاهوری کتب زیادی در نثر نگاشته و تعداد اشعارش نیز متجاوز صد هزار بیت است در "کارنامه" درباره اشعار خویش این طور توضیح و تشریح داده است او می نویسد:

"من مهر پرست که چون بدر منیر از بلده لاهور طلوع کرده ام و از فیض خورشید ازل طبع درست و رای روشن یافته ام کوکبه معنی را به آسمانی را رسانیده ام، و در درجه شناسی سخن دقیقه یی فرو نه گذاشته ام صد هزار بیت که هر یک بیت الشرف کوکبه معنی است به اوج ظهور آورده ام و از فروغ معانی مطلع سخن را چون مطلع خورشید نورانی ساخته ام" (منیر، ۱۸۷۴: ۹۶)

چنانکه متذکر شد که منیر لاهوری از ادبیات فارسی علاقه زیادی داشت و به سال ۱۰۵۰ هجری در سن سی سالگی مجموعه ای بنام "کلیات اولی نظم و نثر" از آثار خود ترتیب داده بود، او درین کلیات بیشتر آثار خودش را جمع آوری کرده است است فهرست آثار منیر را، مهرا لسادات موسوی و دکتر علی زمانی در مقاله یی بنام "پس رو پیشینیان سخن منیر لاهوری" در سه دایره منقسم نموده اند که عبارت آنان را بعینه نقل می کنم:

"دایره اول: اقسام نثر: رقعات، مکاتیب، نکات، مانمکده، مناظره ی روز و شب، مناظره ی عناصر تیگ و قلم، خطب متفرقه، دیباچه ای مرقع، دیباچه توحید، دیباچه ی مجموعه ی مثنویات، کارستان و مختلفه.

دایره دوم: دیوان منظومات: مفردات، غزلیات، ترکیبات، ترجیعات، قصاید و رباعیات.

دایره سوم: اسامی مثنویات: سواد اعظم، مرآت الخیال، درد والم، میخانه، ساز و برگ، بخت بلند، آب و رنگ، بیت المعمور، مظهر گل، نورونار و غیره" (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۱۴)

منیر لاهوری از ایام ابتدا شاعری زود گو، ونثر نویسی عالی معروف ومشهور بوده است در میان آثار این دانشور بزرگ دو نوشته در فن نقد ادبی سراغ داریم، یکی رساله ای مختصر به نام "کارنامه"، در نقد حدود ۶۰/بیت از اشعار چهار شاعر تازه گوئی ایرانی، و دیگری، پاسخی است به نقد منظوم شیدا فتح پوری بر قصیده محمدجان قدسی مشهدی در مدح امام علی بن موسی الرضا(ع)، علاوه ازین در تاریخ نقد ادبی فارسی هند، دیباچه های منیر نیز قابل تذکر است، او دیباچه های جالب وجاذب که بر دیوان برخی معاصرین خود نوشته این دیباچه ها با نثری متکلفانه وادیبانه نوشته شده است رفتار منیر درین دیباچه خیلی زیاد معتدل ومحققانه به نظر می رسد و بعضی جا ها بر اکلام شاعران معروف معاصرین اظهار نظر هم کرده است، ولی او با معاصرانش ارتباط قلبی ومراسم نزدیکی داشت همین جهت لحنش معتدل و لهجه اش بسیار زیاد متین ومتوازن به نظر می رس، وبعضی محققان ومنقدان می گویند که لب ولهجه انتقاد منیر بسیار زیاد نرم وجانبدارانه است که از روی انتقاد درست نمی توان گفت ودر زمره نقد نمی آید، باز هم بیشتر آرایه وی که درباره کلام معاصرانش داده است، پیوسته نزد منتقدان ومحققان مورد تفکر وسزاوار تامل بوده است. میگویند او علاوه بر این آثار نقد ها، تذکره ای مختصر هم نوشته بود ولی اکنون آن تذکره در دست ما نیست یعنی سراغ آن تذکره نداریم همین جهت درباره آن چیزی حتمی نمی توان گفت.

"کارنامه" معروف ترین اثر منیر لاهوری به شمار می آید که در ضمن نقد ادبی فارسی نوشته شده است، که در آن از اشعار عرفی شیرازی (۹۹۹)، طالب آملی (۱۰۳۶)، زلالی خوانساری (۱۰۳۴) وظهوری ترشیزی (۱۰۳۵) نقد و انتقاد کرده است، کارنامه منیر را می توان یک اثر مهمی واساسی در نقد شعر فارسی است، درست سال تالیف رساله از هیچ ماخذ پیدا نیست که منیر رساله مزبور را در چه سالی برشته تحریر آورده است ولی گمان اغلب همین است که این رساله انتقادی رابعد از ۱۰۴۵ هجری نوشته شده باشد، نزدش طرزوروش این چهار شعرا برخلاف شیوه شعرای متقدمین است. هر چند که شعرای مذکور بر مایه سبک هندی محسوب می شوند. ولی منیر لاهوری شعر شان را مورد نقد و انتقاد و ایرادوگرفت قرار داده است در زمان منیر ایراد گرفتن شعرای ایرانی کار سهل وسلیس نبود برای این کار پرخاطر، جرات وبیباکی بیش از حد لازم بود، ومنیر بیدون اینکه که مرتبه این چهار شاعر ایرانی النسل را ملحوظ داشته باشد، بر کلام شان انتقاد سخت وتند وشدید کرده و قدرت ومهارت فارسی دانی خود را نشان داده است و مهارت ولیاقت خودش در لغت ومحاوره فارسی را ثابت کرده است.

منیر لاهوری در "کارنامه" توضیح می دهد که در کلام این چهار شاعر اغلاط لفظی ومعنوی، مبالغه واغراق وتشبیهات واستعارات مبهم، به نظر می رسد که ارزش وافادئیت کلام شان کاسته کرده است. این طرز نو ومضامین تازه که مورد پسند او قرار نه گرفت. منیر بدین نقد وانتقاد سعی کرده تا شعر فارسی را به روش، شعرای قدما حفظ کند، از شواهد بر می آید که منیر نیز ز دور ابتدای یعنی عفوان شبایش به "طرز جدید" یا "سبک نو" شعر می گفت، اما بعداً این سبک جدید را ترک کرده، وبه طرز وشویه قدما شعرگوئی را آغاز کرده، وی از علاقه مندانه قوانین وضوابط شعر قدما بدو می خواست که شعر فارسی را به سبک پسندیده بی که سبک شعرای پیشین بوده است، حفظ ونگه داری کند، وآن را از لغزش های لفظی ومعنوی، وایهام واغراق، الفاظ سست ومعانی نادرست، واستعارات عجیب وتشبیهات غریب، کنایات مبهم وتصورات پیچیده وترکیبات ناموزون والفاظ عامیانه وسطحی پاک نماید، وشعر فارسی را به سنت وطرز متقدمین برگرداند. همین جهت بر شعرای سبک هندی نقد وانتقاد شدید کرده

است، شاید این اعتراضات و ایرادات بر تفاخر متاخران و شکستن حرمت و ناموس متقدمان، انگیزه اصلی نگارش کارنامه است که از سبب آن فن نقد انتقاد در ادبیات فارسی هند و ایران روشناس و آشنا شد و بعد از تألیف این کتاب دانشوران هردو کشور به طرف نقد و انتقاد راغب و متوجه شدند میان دانشوران صنف نقد نویسی آغاز و ارتقا یافت.

چنانکه می دانیم در عهد مغولان بسیاری از شاعران ایران بطرف شبه قاره هندوپاکستان روی آوردند و برخی از آنان به سبب هنر و کمال خود شان به دربار شاهان تیموریان راه یافتند و در دربار تیموریان قدر و منزلت زیادی داشتند، و این شاعران ایرانی خود را اهل زبان می دانستند، و شاعران و نویسندگان هندی را در فارسی دانی یا زبان دانی مورد اعتنائی فهمیدند، و اکثر ایرادات و انتقاد بر اشعار هندیان وارد می ساختند و آنها را در سخن رانی کم مرتبه و فرومایه می گفتند، ولی مفکران و دانش وران کشور هند این حرکت ناموزون و نامناسب اهل زبان به معانی تذلیل و توهین و تحقیر خود شان می فهمیدند، همین جهت در عهد شاهی هندی یک نوع محاربه و معارضه میان اهل زبان و هندیان آغاز شده بود، یک طرف اهل زبان خود را بهتر و لایق سند می پنداشتند و طرف دیگر هندیان آن دعوی زبان دانی را درست نمی فهمیدند و معتقد بر این بودند که فقط اهل زبان بودن دلیل یا شهادت سخنوری هرگز نیست، ممکن است که شاعر و نویسنده ای که اهل زبان است، هم از اصول و قواعد زبان شناسی اشتباه کند و کلام پر از اغلاط و لغزشهای زبان و بیان رقم کند، لذا فقط اهل زبان بودن سند دانش وری و فضیلت علمی نیست لذا ایرانیان را باید که قدر و قیمت کلام هندیان بر خود لازم دارند و آثار ایشان به نظر عادلانه و منصفانه محاسبه و مشاهده کنند و مقام و مرتبه جایز و درست دهند نزد شان زبان و ادب میراث مخصوصی کسی نیست.

اینجاست که ای دیدنی هم اینست که در عهد اکبری و بعداً در زمان جهانگیری و شاه جهانی توجه شاعران بیشتر به دریافت مضامین نو و تازه و جدید بوده، و در نتیجه آن، معنی در شعر، دقیق و پیچیده و مبهم شده بود و الفاظ نیز به سلیس، ساده، و گاهی سست و ساکت گردید، و حتی شعرای مشهور آن زمان نیز، الفاظ و ترکیبات و محاورات خیلی زیاد عامیانه و سطحی را بکار می بردند و مطالب و مقاصد را هم با استعاره بالکنایه بیان می نمایند، تا اینکه تصورات و خیالات مبهم و دور از ذهن و مبالغه از حد بیش، و تکلفات بی جا، شعر را به صورت چپستان و معمائی درآورد و حسن و لطافت شعری که امتیاز و افتخار شعرای بوده است. کم کم کاسته می شد، این شیوه شعر، در دربار پادشاهان تیموری هند از اوایل قرن دهم تا اواخر قرن دوازدهم هجری ادامه داشت. عرفی شیرازی، نظیری نیشابوری، طالب آملی، کلیم کاشانی و صایب تبریزی و غیره اشعرا بر جسته و توانا این دوره هستند که شعر فارسی را از کهنگی و فرسودگی پیشین بیرون آوردند و به طرز تازه شعر سروده اند، و از تازه گوئی و معانی آفرینی، دامن سخن را گرانها و پرارزش ساخته اند، اما وقتی که این مضمون آفرینی و تازه گوئی و معانی آفرینی از حد اعتدال گذشت، شعر چپستان و خیال بافی شد یعنی شعر گوئی از مقصود حقیقی خود دور شده بود و منیر لاهوری بر گزنی خواست که زیبایی و لطافت شعر فارسی، در طرز تازه گوئی و مضمون آفرینی گم شود و شعر گوئی کاری بازیگری شود. همین جهت این رساله یعنی "کارنامه" برشته نگارش آورده بود و دعوی بیجا که اهل زبان بر شعرای هندیان کرده بودند، پاسخ داده است.

سبب دیگر که موجب تألیف این رساله شد، این است که شاعران و نویسندگان ایرانی در دربار شاهان مغول بالخصوص اکبر و جهانگیر و شاه جهان و امراء و وزرای آنان قدر و منزلت زیادی داشتند، به همین سبب تعداد شعرای ایرانی در این دربارهای ادب پرور، روز بروز زیادتر می شد. شاعران و نویسندگان فارسی چه ایرانی و چه هندی در دربارهای شاهان مذکور، انجمن کردند، و کمال و هنر خود شان را نشان می دادند، و بر یک دیگر سبقت می جستند، حتی که بعضی ها، رقیب و حریف یک دیگر هم می شدند،

چون شعرای ایرانی اهل زبان بودند، خود را نسبت به شعرای هندی مستند و معتبر می دانستند، منیر لاهوری شکایتی داشت که اهل زبان به زعم و تکبر زبان دانی خودشان، قدر و احترام شعرای فارسی هند نمی فهمیدند، و دانشوران هندی فرمایه و کمتر می دانستند، چنانکه در کارنامه، این شکوه جایز را این طور نوشته است:

”اگر فارسی صد جا در فارسی غلط کند، در سخن او، سخن نمی کنند، و هندی اگر همه چون تیغ هندی، جوهر ذاتی را آشکار سازد، دم از تحسین نمی زنند“ (منیر، ۱۹۷۷: ۲۴)

منیر لاهوری از منتقدان نخستین در شعروادب فارسی هند به شمار می رود که در جواب حس برتری اهل زبان، با دلیری و بیباکی قلم برداشته است و ثابت کرده که کلام شعرای ایرانی هم پر از اغلاط لفظی و معنوی است، و اهل زبان هیچ حق نه دارند که به زعم زبان دانی خودشان، شاعران و نویسندگان هندیان را تضحیک و تنقیص کنند، او می گوید همه لغزشهای لفظی و معنوی که در کلام شعرای هندی به نظر می آیند در کلام اهل زبان هم راه یافته اند. همین جهت ایرانیان، بر شعرای فارسی گوئی کشور هندوستان هیچ ترجیح و توفیق ندارند، برچند که نقد منیر مانند شمشیر تند و تیز است که ضوابط و قواعد نقد نفی می کند باز هم از بعضی نکات رساله ظاهر می گردد که از لحاظ انتقاد ادبی جالب و لایق تفکر اند چنانکه دکتر علی زمانی می نویسد.

”انتقاد منیر با معاصرانش نه تنها از وجوه به آرزو و با اهمیت شخصیت ادبی او، بلکه از نمایه های قابل تامل قرن یازدهم و تکمله ای بر رسی جایگاه نقد، در سرزمین هند است، زیرا متن های نقادانه منیر به لحاظ آرایه اخبار اجتماعی و اوضاع ادبی عصر، در نمایاندن غلبه ی عنصر ایرانی بر نژاد هندی، قابل تامل است“ (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۱۴)

از مطالب کارنامه ظاهر می گردد که منیر لاهوری پیچیدگی مضامین و ابهام گوئی در شعر فارسی دوست نه داشت و خلاف روش تازه گوئی و معنی آفرینی که در کلام اهل زبان آن دوره بنظر می رسد، آن را قبول نمی کند. و برای ثابت کردن ارزش و اهمیت کلام متقدمین و هندیان هم، این رساله مهمی یعنی ”کارنامه“ برشته نگارش آورده است. منیر لاهوری منتقدی نخستین در شعروادب فارسی هند به شمار می رود که در جواب حس برتری اهل زبان، قلم برداشته است و ثابت کرده و باب جدید و تازه در زمینه ا نقد ادبی فارسی هند را باز کرده، با الفاظ دیگر در ادبیات فارسی هند نقد ادبی را ابتدا و آغاز نموده چنانکه در ضمن آن پروفیسور سید حسن عباس نوشته است:

”مخالفین در نتیجه اثر و نفوذ خاص خود در دربارها به نشر این عقیده کوشیده و این فکر خام را عام کرده اند که تنها ایرانی بودن شرط کافی است تا کسی شاعر بلند پایه و معتبر شناخته گردد“ (عباس، ۱۹۹۷: ۴)

چنانکه قبلاً هم متذکر شده است شاعران و نویسندگان فارسی گوئی هند در نظر شاعران و ادیبان ایرانی مقام و مرتبه ای نداشتند، و هنرمندان اهل هند را همیشه حقیر و ذلیل می شمردند و منیر درین تالیف مختصر خودبینی و خود پسندی و غرور ایرانیان را با تند و سختی پاسخ داده است درین ”کتاب منیر لاهوری مقلدین طرز تازه را مورد انتقاد قرار داده است رفتار منیر در باب انتقاد شعر این چهار شاعر خیلی تحقیر آمیز و خصمانه و شدید است، نزد وی شعرای بزرگ ایران در کلام خود لغزش و اغلاط نموده اند و بسبب اهل زبان بودن اغلاط آنها سزاوار درگزر نمیتوان شد منیر ذکر محفلی می کند که

در آن درباره قدر منزلت اهل زبان سخن می گفتندوی در عصر خویش یگانه عصر بوده از این جهت آرایه معاصرین مورد پسند منیر قرار نگرفت وی عزم مصمم کرد که رساله ای تالیف کند و لغزشهای لغوی و معنوی آنان نشاندهی کند و احساس برتری ایرانیان کمتر و کوتاه بسازد و وی علت نوشتن "کارنامه" این طور بیان می نماید:

"یکی تعریف عرفی را آغاز کرد گفت "آن سخن طراز صاحب طرز تازه است و مظهر فیض بی اندازه" و یکی سخن طالب را ستودن گرفت و گفت "آن تازه گفتار معنی را جان داده و سخن را روان بخشیده" و یکی اوصاف زلالی را بر روی آب آورد و گفت "آن پاک روان معانی را به روانی گفته که در روانی از آب گذشته" یکی شمایل ظهوری طبع را ظاهری ساخت و گفت، وی دستگاه دربر دست سخن ید بیضا نمود و در معانی دستی داشته که هیچ سخن آفرینی را دست نداده اواز هجوم معانی جای انگشت نهادن نیست و در معنی او را از کمال دقت گنجایش ناخن بند کردن نه زیر دستان زمین سخن نزد او پشت دست بر زمین گذاشته" (منیر، ۱۹۷۷: ۴-۵)

منیر در همین کتاب ذکر مجلسی هم می کند که در آن شاعران ایرانی بر اشعار هندیان اظهار نظر می کردند، و شعرای ایرانی مانند عرفی، طالب آملی، زلالی و ظهوری را خلاق المعانی و ستارگان فلک زبان دانی می گفتند و در مقابل آنها، شاعران فارسی گوئی هند را طعن و تشنیع می کردند و ارزش و اهمیت آنان نمی فهمیدند و درباره کلام شان از طنز و تمسخر حرف می زدند حتی یکی از آن ها می گفت:

"اگر امیر خسرو به صحبت ایشان رسیدی چاشنی سخن های شیرین اندوختی و اگر سلمان مسعود سعد در روزگار ایشان بودی، فارسی از اهل بیت از ایشان آموختی" (عباس، ۱۹۹۷: ۴)

از مطالب "کارنامه" هویدا می شود که منیر لاهوری پیچیدگی و ابهام در شعر فارسی دوست نداشت نزد وی تشبیهات جدید و استعارات غریب و کنایات مغلق، در شعروادب لایق قبول نیست مثلاً وی بر گز نمی خواهد که کسی اینطور شعر گوید که در آن تازه گوئی و ندرت و جدت بکار برده است زیرا که وی مقلد طرز و روش متقدمین بوده است و روش شاعران تازه گو یا یاران و پاسداران هندی هرگز دوست نمی داشت به طبق منیر لاهوری سبک شعرای پیشین لایق پیروی است و از آئین آنان انحراف کردن خلاف ادب است منافی دیانت داری ادبی است، لذا بر شاعر بزرگ و کوچک را باید که روایات و قواعد و ضوابط پیشین را حفظ و نگهداری کند و برای طرز تازه یا معنی آفرینی جدید مشوش و سرگردان نباشد، نزدش شاعران تازه گوئی به سبب افزودن حسن شعری از معانی آن اغماض می نمایند و این روش تازه گوئی و معنی آفرینی خلاف شعرای قدیم است و به شاعران را باید که برای افزایش حسن ظاهری شعر از معانی انحراف نه کنند و گر این التزام بر خود لازم نه دارند شعر شان معتبر و مستند نمی توان شد. نزدش تازه گوئی یعنی رنگین ساختن صورت ظاهری شعر حقیقتاً ریختن خون معنی شعر است، هر چند در عهدش عبارت آرائی، تازه گوئی، قافیه پیمائی به عروج رسیده بود و معاصرانش دل داده و گرویده، طرز تازه بودند ولی منیر مذمت خیلی زیاد می کند بلکه دشمن بزرگی سبک هندی است و گفتگو نو و تازه، این شعرای تازه گویان نزدش بی ته و بی معنی است، این دانشور اعظم عبارات مبهم، تراکیب پیچیده، استعارات عجیب، تشبیهات غریب، کنایات نامانوس و بیان غیر واضح را مورد انحراف روش متقدمین قرار می دهد و بر کلام آنان سخت می تازد و می گوید شاعران به سبب رنگین ساختن صورت شعر بطرف معانی فکر و تأمل نمی کنند و همین جهت اشعار شان پیش از آن به میرند. همین جهت منیر سعی بلیغ کرده است که اهل زبان را باید که اعتراف کنند که اهل هند هم در زبان شناسی درجه مساوی دارند

لذا کارنامه برشته نگارش آورد و بحیث منتقدی اولین در ادبیات فارسی معرفی نماید چنانکه در مقاله ای بنام "پس رو پیشانیان سخن منیر لاهوری"، مهر السادات موسوی و دکتر علی زمانیمی نویسنده:

"اندیشه های قابل تامل منیر که میتوان وی را به عنوان نخستین منتقد و آغاز گر سبک باز گشت در سرزمین هند به عرصه ی فرهنگ و ادب معرفی نماید، در آرایه تصویر کاملی است که وی در یک نگاه دقیق و نقادانه به گذشته ی ادبی شبه قاره و سیر تحولی ادبیات شبه قاره از قرن ششم تا قرن یازدهم دارد" (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۱۴)

اکنون می خواهیم که بعضی اشعار شعرای مذکور، و اعتراض منیر لاهوری را نقل کنیم، که از آن طرز و روش انتقاد منیر هویدا می شود، اولین شاعری که منیر بر کلامش ایراد و انتقاد سخت و شدید کرده عرفی شیرازی است چنانکه می دانیم که عرفی شیرازی که در آوردن مضامین تازه و مبالغه آمیز مهارت تامه داشت و بزرگترین شعرای سبک هندی به شمار می رود، و بسیاری از سخن سرایان از طرز تازه عرفی پیروی نمودند، با وجود این همه شهرت و مقبولیت او، منیر لاهوری اشعارش را مورد نقد قرار داده است البته نکته ای قابل تذکر اینست که مولف کارنامه فقط به استعارات عجیب و مضامین پر پیچ و کلمات نامانوس را مورد انتقاد و سزاوار گرفت قرار داده است و گرنه او نیز افکار بلند عرفی را خیلی زیاد دوست دارد اینجا بعضی شعر عرفی و اعتراض منیر نقل می کنم، مثلاً شعر عرفی است که منیر آن رانه بجز قابل ایراد قرار داده است بلکه در الفاظ تند و شدید انتقاد هم کرده است:

حکم تو اش آورد به کشمیر و گرنه آن از گل این خاک به آن خاک بر آید

منیر لاهوری، شعر عرفی شیرازی را از روی زبان و بیان درست نمی فهمد وی بر این بیت مذبوره این طور اعتراض و ایراد خودش مندرج می کند و می گوید:

"سخن چرا رنگ نیارد که گل خاک را به معنی گل زمین آورده و آن در گفتگو ی چمن آریان سخن رنگ و بو آشنائی ندارد و این به آن ماناست که به جای زاغ کمان کلاغ کمان گویند و به منزله ی خانه زین کلبه زین نویسند، و اگر گل به کسره خوانده شود به معنی خلاب یعنی پادر گل می ماند، زیرا که گل خاک به معنی اضافتی است بی موقع و سرشت این عبارت خمیر مایه سهو است" (منیر، ۱۹۷۷: ۱۱)

همین طور شعر ی دیگر عرفی به زیرین نقل می کنم که از شمشیر انتقاد منیر زخم خورده است:

"ارغوان را از حنا شد پایمال زعفران مشت خونی بر دماغ خنده ناک ما بریز

منیر لاهوری شعر مذبوره از روی قواعد و ضوابط درست نمی فهمد و تازه گوئی شاعر را مورد تضحیک و طنز قرار می دهد می گوید:

"این بیت چنان نازک شده که بار معنی بر نمی تابد، گویند یکی از نازک طبعان در سخن بسیار نزاکت (نازکی) پرداختی و کار بر سخن بسیار سخت نازک ساختی، روزی با یکی از سخن شناسان، سخن از نازکیهای سخن راند و گفته های نازک خویش را می خواند، آن سخنور معنی، چون سخنان او را شنید... گفت ای سخن پرداز معنی طراز، سخن را بجای رسانیده که هیچ معنی نه دارد" (منیر، ۱۹۷۷: ۶۴)

شعری دیگر که در آن شاعر استعاره تازه بکار برده است ولی منیر لاهوری آن را درست نمی گرداند و انتقاد تند میکند، عرفی میگوید:

ذات تو اعتدال و سلیمان مزاج عدل عقل تو مغز و جوهر کل استخوان علم

چنانکه روشن است که عرفی در بیت مذکوره استعاره بی «استخوان علم» بکار برده است که نمونه عالی سبک هندی می توان گفت ولی منیر لاهوری این تازه گوئی را مورد اعتراض قرار می دهد، او بر بیت مذکوره اینطور تعریض و ایراد می نماید:

”هوش گزینان که از مغز سخن آگاهی دارند، می دانند که استخوان علم استعاره بی است بی مغز“ (منیر، ۱۹۷۷: ۶۵)

منیر لاهوری بعد از عرفی شیرازی به طرف طالب آملی آید، هرچندکه طالب در لفظ تراشی، ندرت تشبیه و مضمون آفرینی و تازه گوئی معروف و ممتاز عصر خویش بوده است، باز هم منیر بر او انتقاد می کند نزدش کلامش تهی از معنی است بیشتر شعرش خلاف روش شعرای قدیم است شعری طالب که منیر بر آن ایراد سخت و اعتراض شدید کرده است:

شام غم که آشوب سودای تو مغز افشار شد تو نیازان جنون را جیب دامن زار شد

منیر گوید بر بیت مذکوره انتقاد مختصر کرده است او شکایت می کند که شعر طالب دور از فهم و خالی از معنی است:

”جیب و دامن این بیت از گوهر معنی تهی است“ (منیر، ۱۹۷۷: ۴۹)

همین طور جای دیگر طالب آملی این طور سخن سرانی می کند:

زبس ترشح می شود در دماغ انگیخت جبین شگای لب خنده نمک دان شد

منیر لاهوری بر بیت مذکور این طور طنز و انتقاد می کند:

”خنده نمک دان و لب خنده و جبین لب از هم نم کین تراند این طرز نمک در سخن جزا و دیگری را دست نداده“ (منیر، ۱۹۷۷: ۱۷)

شاعری دیگر که مورد انتقاد منیر شده، ظهوری ترشیزی است، که اصلاً ایرانی بود ولی مدت زیادی در کشور هند سکونت داشت و شهرت وی در هند بیشتر از ایران بود و در تازه گوئی و معنی آفرینی نابغه روزگار بوده است، باز هم منیر اشعار او، دوست نه دارد شعر زیرین از ظهوری به بینید که هدف انتقاد و ایراد منیر شده است:

”ازو نرگس حسن ساغر زده است که بر سینه صبر خنجر زده است

منیر لاهوری درباره بیت بالا، انتقاد کرده است او از ترکیب ”نرگس حسن چشم“ راضی نمی شود و آنرا دور از فهم قرار می دهد و اینطور گرفت می کند:

”از نرگس حسن چشم لطف نمیتوان داشت که بوی آشنائی ندارد“ (منیر، ۱۹۷۷: ۵۹)

همینطور بر شعری معروف ظهوری ترشیزی با الفاظ مختصر اً اعتراض مینماید:

ازو نرگس حسن ساغر زده است که بر سینه صبر خنجر زده است

منیر لاهوری درباره بیت بالا میگوید:

”از نرگس حسن چشم لطف نمیتوان داشت که بوی آشنائی ندارد“ (منیر، ۱۹۷۷: ۲۳)

همین طور زلالی خوانساری که شاعری معروف و مشهور زمان خود بوده است و کلامش اعلیٰ ترین نمونه بی سبک هندی به شمار می آید، ولی اشعارش هم، از نوک تیز انتقاد منیر زخم خورده است، شعری زلالی است:

قلم از من به غواصی درآمد سر زلفش به رقاصی درآمد

از خواندن شعر مذکوره به نظرمی آید که در این بیت استعاره بالکنایه بکار برده است و خالق شعر "سر زلف قلم" مانند تشبیهی نازک آورده است ولی منیر خیال بندی یا نازک خیالی را برگز نمی پسندد همین جهت اعتراض می کند و میگوید:

"رقاصی سر زلف ادائی است که بر آن رقص توان کرد موشگافان معنی می دانند که قلم بلند بالا که از سیاهان هندو است، خط دارد اما زلف ندارد، و اگر زلف داشته باشد، رقاصی را به سر زلف چه نسبت؟ همانا قلم نازک زبان او را به سر زلف حرف زده است که هیچ پا برجا نه دارد" - (منیر، ۱۹۷۷: ۲۰)

سراج الدین علی خان آرزو در حمایت از شعرای ایرانیان رساله ای به عنوان "سراج منیر" نوشت. وبر بیانات منیر، اعتراض و ایراد کرده و گفته، که منیر مطالب بعضی اشعار این چهار شعرای تازه گو و معنی یاب را درک نکرده است، آرزو خود مفهوم آن را شرح و توضیح داده است ولی در بعضی جا ها اعتراضات و ایرادات منیر را باصحت قرین دانسته است و نقد و انتقادش را درست قرار داده است.

شیوه نگارش مولف خیلی زیاد سهل و ممتنع و روان به نظر می رسد خواننده برای رسیدن مطالب آن منیر لاهوری خودش را مردی غیر متعصب و عدل پرست می گوید و روشن می سازش مقصودش دل شکنی، تضحیک، تذلیل کسی نیست بلکه پیش نظرش عدل و صداقت و حقیقت است وی اهل خرد را خطاب می کند و عدل گوئی و صداقت خودش چنین شرح می دهد:

"دانائی بخش دانایان است آگاه است که تا داد و دانشوری داده ام بر هیچ نکته نه گرفته ام و تا از سخن پروری طرفی بسته ام به بیغاره هیچ زبان دانی، زبان نه گشاده ام، و بر هیچ سخن سنج انگشت نه گذاشته ام و به قدر بسر ناخنی بند نه کرده ام.... ایزد سخن آفرین دشمن من باد اگر مرا با هیچ یکی از آن چار سخن ور خصمی بوده، این که درین اوراق وی ایشان نگاشته ام در معنی تعویذ دوستی است که بر اوراق آهو نوشته ام، امیدوارم که سخن شناسان هند و معنی رسا ن ایران بر راست گفتاری من کج مج زبان گرفت نکنند و پوزش در پذیرند" - (منیر، ۱۹۷۷: ۷)

بطور کلی میتوان گفت که کارنامه منیر لاهوری از روز تالیف تا امروز در تاریخ نقد ادبی فارسی، جای مهمی و اساسی دارد. این رساله نه تنها از نمونه های بدل نشین نثر فارسی است بلکه از نقطه نظر تاریخ انتقاد ادبی فارسی در هندو ایران نیز ارزش شایسته دارد، و اولین اثر انتقادی است که در آن برای نخستین بار از فارسی زبانان ایرانی الاصل که با پیروی از طرز تازه، موجد خیال آفرینی و مروج سبک هندی بودند. به سختی و تندى انتقاد نموده است. این رساله به مناسبت ضخامت خیلی کوچکی، ولی کثیر الفایده است دانشمندان و منتقدین ادب به تقلید و تفسیر آن پرداخته اند. این رساله بی مختصر، باب نو و تازه در ادبیات فارسی باز کرده است و در فن نقد نکات جالب و پرازشی در دست ما رسانیده است، منیر لاهوری، نقد ادبی را شکلی مبسوط، واضح و جامع داده است و در این زمینه این کوشش علمی قابل تمجید و لایق تحسین است که با تالیف این اثر مهمی و پرازشی به موضوع نقد ادبی در ادبیات فارسی اعتبار و عظمت بخشیده است.

[illegible]

##۔ منیر ، لاهوری ، تصحیح محمد اکرم اکرام ، کارنامہ ، جدید اردو ٹایپ پریس چیمبر لین روڈ
لاہور پاکستان۔